

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا

قسمت اول:

زمینه تاریخی

با پایان جنگ طرح "ویتنامی کردن" جنگ را ارائه داد. طبق این طرح او از یکسو با بازگرداندن تدریجی نیروی ۵۰۰ هزار نفری نظامی آمریکا از ویتنام امیدداشت نارضایی وسیع مردم را که در حرکت‌های مختلف اعتراضی چون راهپیمایی‌های عظیم ضدجنگ خود را نشان میداد، کاهش داده و از دیگر سو با ایجاد یک نیروی یک میلیونی برای ارتش ویتنام و با بمباران کردن هندوچین از افتتاح بخاک مالیده شدن بوزهای امپریالیسم آمریکا توسط خلقي کوچک ولی مصمم جلوگیری کند و سازشی "محترمانه" را بر انقلابیون ویتنام تحمیل نماید. از آنجا که کاندیدای لیبرال ضد جنگ حزب دمکرات "مک‌گساورن" و برنامه‌های پوپولیستی او حتی برای جناح مرفعی انحصارات امپریالیستی بیش از حسد "چپ" بنظر می‌رسید، علیرغم نارضایتی توده‌ای از نیکسون بخاطر ادامه‌ی جنگ، قدرت تبلیغاتی انحصارات صنعتی - نظامی و نفتی با ارائه‌ی تصویری رادیکال از مک‌گاورن توانست بخش وسیعی از توده‌های از نظر فکری خرده‌بورژوا را از او برماند و سبب شود که نیکسون با اکثریت قاطع آراء مردم مجدداً به ریاست جمهوری انتخاب گردد.

مقارن با این جریان‌ات و با استفاده از امکانات تبلیغی وسیع و نیز حضور نماینده‌ی خود بر مسند ریاست جمهوری، کمپانیهای نفتی به تبلیغات وسیعی در مورد کمبود انرژی دست زدند تا آنرا بهانه‌ی افزایش قیمت انرژی قرار دهند و هم زمان با آن کوشیدند تا هر چه بیشتر منابع مختلف انرژی را تحت کنترل خود در آورند. کمپانیهای نفتی در این سیاست از پشتیبانی انحصارات صنعتی - نظامی برخوردار بودند.

چه عواملی باعث روی کار آمدن رونالد ریگان و شکست جیمی کارتر شد؟ آیا لبخند معروف کارتر دیگر برای مردم آمریکا دلچسب نبود و چهره‌ی ریگان هنرپیشه‌ی فیلمهای وسترن بیشتر جلب نظر میکرد؟ و یا اینکه صرفاً مناظره‌ی تلویزیونی روزهای آخر نظر رای دهندگان را تغییر داده و دزسیمای جنگ طلبی که آرماده است در هر گوشه‌ی جهان شعله‌ی جنگی بی‌فروزد، چهره‌ی نورانی مردی صلح جو را که در هاله‌ای از تقدیس احاطه شده به آنان نشان داد؟

واقعیت این است که گرچه حتی لبخند یک کاندیدا در جریان انتخابات بی تاثیر نیست ولی مهمترین عامل در انتخاب یا عدم انتخاب یک کاندیدای ریاست جمهوری در آمریکا، تناسب قوای اقتصادی - اجتماعی در مقطع زمانی است که انتخابات ریاست جمهوری صورت میگیرد.

برای بررسی خطوط اساسی جریان‌اتی که به انتخاب ریگان (بخصوص با چنین اختلاف چشمگیر در میزان آراء در مقایسه با کارتر) به ریاست جمهوری نیرومندترین کشور سرمایه‌داری جهان و سرکرده‌ی امپریالیسم جهانی منجر شده لازم است مساله را در بعد تاریخی آن بررسی کنیم. برای چنین بررسی نظری هر چند به اختصار به و تابع دهه‌ی اخیر میافکنیم.

قبل از آغاز دهه‌ی هفتاد (۱۹۷۰ میلادی) و به دنبال شکوفایی اقتصادی سالهای ۶۰ شکست امپریالیسم آمریکا در جنگ ویتنام آشکار شده بود. نارضایتی توده‌های وسیع مردم از ادامه جنگ باعث شد که رئیس‌جمهور جانسون نتواند کاندیدا توری حزب خود را در انتخابات سال ۶۸ بدست آورد. نیکسون که نمایندگی جناح نفتی انحصارات امپریالیستی را داشت، با پشتیبانی مجتمع صنعتی - نظامی روی کار آمد و بجای

رهبرانسی چون لومومبا و کاسترو بوده است. اعتقاد توده‌ی مردم آمریکا به سیستم سرمایه‌داری مسلط بر زندگی آنها به حداقل رسید گو اینکه راه‌حلی برای رهایی از آن نمی‌دیدند.

بحران اقتصادی رکودی سالهای ۷۴-۷۵، بحران سیاسی رژیم حاکم، ناراضی‌توده‌های وسیع مردم آمریکا از ادامه‌ی جنگ ویتنام و مهمتر از همه مبارزات قهرمانانه‌ی زحمتکشان ویتنام به رهبری حزب کمونیست و رهبرانسی چون هوشی مین و بالاخره همبستگی بین‌المللی سبب شکست اقتصاد آمیز و خروج آمریکا از ویتنام در آوریل ۱۹۷۵ شد. باین ترتیب امپریالیسم آمریکا که ویتنام را بمورت لایرا - توار مقابله با نهضت‌های آزادیبخش در آورده بود علیرغم کشتن و معلول و مجروح کردن میلیون‌ها هندوچینی، سوزاندن جنگلهای هندو چین و از بین بردن مواد غذایی، مسموم کردن آب آشامیدنی مردم و از بین بردن خانه‌ها و آشیانه‌ی توده‌های زحمتکش در این آزمایش با عدم موفقیت روبرو گردید و همه‌ی جهان‌نیسان و از جمله مردم آمریکا ناظر بودند که چگونه با وجود مصرف کردن صدوسی میلیارد دلار و دادن بیش از چهل و شش هزار کشته و صدها هزار معلول، خلقی کوچک و مصمم پشت عظیمترین قدرت امپریالیستی جهان را بخاک رسانند. گرچه فساد و کوشید با قدرت نمایی نظامی در قفسه‌ی مایا گوش در کامبوج آبروی رفته را بقیامت از دست دادن ۲۸ سرباز آمریکایی و وارد آوردن خسارت جانی و مالی مردم بر کامبوج، دوباره بدست آورد ولی زخم جنگ ویتنام برای مردم آمریکا و جهان عمیقتر از آن بود که با این ماجراجویی فوراً بهبود یابد. باین ترتیب تاثیر روانی شکست ویتنام، شکسته شدن تصورات مردم درباره‌ی اختلافات رژیم سرمایه‌داری آمریکا با جریان‌های چپ و اقتصاد و اثرگیت و اقدامات "اف بی آی" و "سی ای" و تنزل سطح زندگی مردم آمریکا، کلیت جناح حاکم را در موضع دفاعی قرار داد. علیرغم

تحریم نفت در جریان جنگ سال ۱۹۷۳ بین اعراب و اسرائیل زمینه‌ی مناسبی برای افزایش قیمت نفت به چندین برابر و ازدیاد تصاعدی ثروت کمپانیهای نفتی فراهم آورد. در عین حال این امر با توجه به وابستگی شدید اروپا و ژاپن به نفت خاورمیانه و اینکه اغلب این قدرتهای امپریالیستی خود از نظر انرژی مستقل نبودند، به تثبیت هژمونیسی امپریالیسم آمریکا و بهبود نسبی موقعیت دلار منجر گردید.

نشان شدیدی که این افزایش قیمت نفت به کمپانیهای انحصارات غیرنظامی - غیرنفتی وارد کرد، عزم آنها را جزم کرد که به مقابله با این سلطه‌طلبی کمپانیهای نظامی - نفتی بپردازند و از آنجا که توده‌های وسیعی از مردم که سطح زندگی پائینی داشتند و نیز اقشار متوسط بخصوص فشار افزایش قیمت انرژی را بیش از هر بخش دیگر جامعه حس میکردند، موقعیت مناسبی برای افشای فساد و زیاده رویهای جناح حاکم بوجود آمد. هر چه دیگ اقتصاد و اثرگیت دست پخت نیکسون و اعوان و انصارش بیشتر بهم زده میشد بوی تعفن آن بیشتر بر میخاست و در کنار آن ماجراجواری رشوه‌خواری اگنیو معاون رئیس جمهوری، وی را وادار به استعفا کرد. در واقع نیکسون کوشید او و بسیاری دیگر را سپر بلایی برای حفظ خود و سلطه‌ی اعتبار رژیم سرمایه‌داری گرداند ولی این کوششها به نتیجه نرسید و سرانجام در اوت ۱۹۷۴ نیکسون مجبور به استعفا گردید و معاون جدید او جerald فورد که نماینده‌ی مجتمع صنعتی - نظامی است به ریاست جمهوری رسید. اقتصادات سیستم به اینجا خاتمه نیافت و بسیاری از قانون شکنیها و جنایات "اف بی آی" و "سی ای" چه در آمریکا و چه در سطح جهانی از پرده بیرون افتاد. همه‌ی جهان‌نیسان و از جمله مردم آمریکا مطلع شدند که "رهبر جهان آزاد" مشغول روی کار آوردن رژیمهای دیکتاتوری فاشیستی، کشتار میلیون‌ها نفر و توطئه برای قتل

مالیات از اشتراکاتی بود که توده‌های وسیعی از مردم هنگام انتخابات کارتر از ریاست جمهوری داشتند.

انحصارات صنعتی - نظامی و نفتی در مقابل اقداماتی که منافع عظیم آنها را محدود میکرد مقاومت کردند و ناتوانی حکومت کارتر در حل بحران تورمی رکودی با گذشت زمان بیشتر میشد. مبارزه با تورم رکود را تشدید میکرد و مقابله با رکود تورم را افزایش میداد. دولت و سرمایه‌داران رسماً اعلام میکردند که مسردم روزهای خوش گذشته را باید فراموش کرده کمتر مصرف کنند. بخصوص بخش بزرگی از طبقه کارگر آمریکا که در اثر مبارزات یک قرن خرد و شکوفایی سرمایه‌داری آمریکا در سالهای ۶۰ رفاه نسبی بدست آورده بود، شدیداً تحت فشار بود. دیگر بایستی کمتر گوشت میخورد، حرارت خانه‌اش را پائین می‌آورد و روزهای آخر هفته را بجای رفتن به مسافرتها کوتاه با اتومبیل، در خانه می‌گذراند. مهمتر از همه اینکه امنیت شغلی کارگران بیش از هر وقت مورد تهدید قرار گرفت، از آنها خواسته میشد که برای حفظ کار خود از مزایایی که در اثر مبارزات طولانی بدست آورده بودند صرف‌نظر کنند، گاه کم شدن مزد کار خمود را بپذیرند و بارآوری کار خود را افزایش دهند و این همه در شرایطی بود که تورم پی‌داد میکرد.

در چنین اوضاع و احوالی انحصارات نفتی و نظامی و جنبه واجب مواضع از دست رفته‌ی سیاسی را در موقعیتهای مختلف دوباره بدست آورده، تدارک آنها جمعی تازه‌ی اقتصادی را علیه مصرف‌کنندگان میدیدند. سروصداهای شکستن انحصارات نفتی بفراموشی سپرده میشد و به بهانه‌ی تشویق سرمایه‌گذاری در منابع انرژی، کنترل قیمت بنزین و گاز و نفت در آمریکا بتدریج برداشته میشد و برای کمپانیهای نفتی، به زیان مصرف‌کننده‌ی آمریکایی، امکان افزایش سرمایه‌عظیمشان به چند برابر بدست می‌آمد. انحصارات نظامی از جریانانی چون

قدرت برتر و جدیداً افزایش یافته‌ی انحصارات نفتی (انرژی) و انحصارات نظامی که متفقاً سکان کشتی امپریالیزم آمریکا در اواسط امپریالیزم جهانی در دست داشتند، نیاز به چهره‌ی کمتر شناخته شده‌ی وجود داشت که تا اندازه‌ای در داخل آمریکا و در سطح جهانی اعتماد از دست رفته را بکل سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی بازگرداند و در عین حال قدرت سیاسی متعزز جناح مصرفی را که برای نجات خود از فشار رقبا حرکت اعتراضی توده‌ها را دامنه‌ی میزد، به رسمیت شناسد. باین ترتیب در موضع جدید جناح سرمایه‌ی انحصاری غیر نفتی غیر نظامی امکان می‌یافت همچون گذشته از خوان یغما بزیان تولیدکنندگان و اکثریت عظیم توده‌های مردم بهره‌ای بگیرد.

کارتر، مذهبی، بی‌آلایش و بدون سابقه‌ی بد مثل نیکسون و اگنیو کاندیدای مناسبی بود که از یکسو آراء توده‌ها را جلب کند و از دیگر سو با سیاست حقوق بشر خود خاطره‌ی ویتنام و جنایات سیا را در جهان از افکار جهانیان بزداید. در واقع کارتر برآیند نیروی قوی انحصارات نفتی و نظامی که در موضع دفاعی قرار داشتند و انحصارات غیرنظامی غیرنفتی که از نظر سیاسی در موضع تهاجمی قرار داشتند بود و ریاست جمهوری او زمینه‌ی تامین بخشی از دست رفته‌ی جناح مغلوب اقتصادی امپریالیزم را که بخصوص از افزایش قیمت نفت ضربه دیده بود، فراهم میکرد.

در چنین شرایط و با چنین چشم اندازی بود که کارتر به ریاست جمهوری آمریکا سال ۱۹۷۶ انتخاب شد. در شرایط بحران تورمی رکودی که منجر به انتخاب کارتر شده بود، قولهای او برای ایجاد شغل‌های تازه و از بین بردن تورم، برای توده‌ی مردم خیلی جاذبه داشت، کم کردن بودجه‌ی دانا رو به تزاید جنگی، محدود کردن قدرت انحصارات نفتی و حتی در هم شکستن این انحصارات، جلوگیری از آلوده شدن بیشتر محیط توسط سودجویی سرمایه‌داران بزرگ و از بین بردن بهانه‌های کوچک و بزرگ سرمایه‌داران بزرگ برای فرار از

حضور نیروهای داوطلب کوبایی در آنگولاشکست،
نیروهای دست نشاندهی امپریالیسم استغلاادی
تسلیماتی کرده و علاوه بر آمینکه در برابر
تأهش بودجهی نظامی مقاومت میکردند، خواهان
افزایش آن نیز بودند. در ضمن انقلاب ایران
نیز زمینهی مناسبی را برای تعرض سیاسی و
اقتصادی انحصارات نفتی و نظامی فراه-سم
آورد. کمپانیهای نفتی به بهانهی اعتصاب
کارگران نفت در ایران و خطر تقلیل ترزسهی
نفت در بازار جهانی با وجود ذخیرهی چندین
ماه در کشورهای امپریالیستی به افزایش
قیمت مواد نفتی پرداختند و سبب افزایش
فشار تورمی گشتند. انحصارات نظامی کسه از
دست رفتن شاه و آن خوان یقما بسیار گران
برایشان تمام شده بود. سیاست حقوق بشر
کارتر را مسئل این امر دانسته آنرا محکوم
میکردند.

ادامه دارد

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا

قسمت دوم: شکست کارتر در جدال انتخاباتی

"وحشیهای ایرانی" در روز روشن تانک‌ها و تانک‌ها را به سمت رسته‌های همگانی وابسته به انحصار نظامی راه پیش‌گیری از جریانی چون بسیاری با "دم شیر آمریکا" توسط "موش ایران" را در افزایش هر چه بیشتر بودجه نظامی و اتحاد سیاسی تعرضی در حلقه میانه‌نشسته و کارتر هم با افکار مطرح می‌کرد که نیروی ۲۲۰ هزار نفری سریع العمل نظامی او که برای خلیج فارس و افغانستان در حال تشکیل است تا ماهی حقیقت "منافع مشروع" آمریکا در منطقه خواهد بود. "عده‌ی وینام" در پناه گرد و خاک میهن دوستی برتری طلبانه‌ی رسانه‌های همگانی رخنه‌ی و مردم آمریکا که بدنبال تجربه‌ی وینام حاضر به درگیری بخاطر منافع انحصارات امپریالیستی در گوشه و کنار دنیا نبودند، از مدعی سرگروگانگیری، تسبیح و آمادگی درگیری در تقیضات مختلف جهان برای "حفظ منافع و آبروی آمریکا" شدند. کمپانیهای نفتی نیز که تا چندین سال پیش با مقامات ایرانی در برابر افزایش دارایی قیمت مواد نفتی روبرو می‌شدند، در جو جدید توانستند با راحتی قیمت مواد نفتی را به مقدار قابل توجهی باز بالا ببرند و میلیاردها دلار دیگر بر سرمایه‌ی عظیم خود بیفزایند. پس از اینکه جریان گروگانگیری به اندازه‌ی کافی مورد بهره‌برداری قرار گرفت، اقدامی متجدد در این مورد لزوم اقدامی جدی را ایجاب می‌کرد که با توجه به ماهیت رژیم ایران و اینکه علیرغم تارسیهایش در خور حال در اردوی خودی قرار داشت و علاوه بر این خاطر که دخالت نظامی نمیتوانست به رادیکالیزه شدن موقعیت در ایران و بهیترت نیروهای چپ منجر شود، مطلوب حکومت کارتر نبود. درگیر شدن ارتش شوروی در افغانستان بهانه‌ی تازه‌ای برای انحصارات نظامی و رسانه‌های گروشی وابسته به آن و بطور کلی امپریالیسم آمریکا فراهم آورد تا باز دهل جنگ را بکوبند و توده‌های ساکن را برای پذیرش غارت توسط انحصارات نظامی و گوشت‌دم توپ‌شدن برای ماجراجوییهای آینده در خدمت حفظ و افزایش منافع سرمایه‌داران، هر چه بیشتر آماده سازند.

نشار افکار عمومی تحریک شده و خواست جنگ طلبان "باز" خفت و تقابل محسوبیت کارتر منجر به شعله‌ور شدن اقدامات ترویدها می‌نمود. بنده نجات گویاها در آوریل ۷۹ شد که پس از شکست روبرو گردید، البته این آن چیزی نبود که بظاهر بیان شد و وضعیت امر روشن نشد. ولی در اینجاست جریانی "کبوتر" وین (وزیر خارجه‌ی وقت آمریکا و نماینده‌ی انحصارات غیرنظامی - غیرنظامی) در پیش‌بینی "بازها" قربانی گردید. این خود نشانگر این

مواضع ۷۹ سال با شروع مبارزات انتخاباتی در آمریکا بسیاری از توده‌های مردم که سبب قولهای عمل‌نشده کارتر می‌شدند، سبب شاد گزاشتی روزافزون و بیگاری وسیع ناشی از تورم و رکود مزمن بودند، در جستجوی راه برای خروج از این تنگنا برآمده‌ی و از آنکه این آگاهی را داشتند که همه‌ی این دولت از سلطه‌ی سرمایه‌دار است و تا این سیستم برقرار است، اقتصادی کمتر یا بیشتر همچون همزادی با آن سر خواهد پیچید. با روی آوردن به چهره‌ای چون ادوارد کندی در پی حل مشکلات خودسرانه، قرار بود که اندیشه‌ی کندی در روز ۱۳ آبان ۵۸ رسماً اعلام شود. با توجه به اینکه محسوبیت کارتر در بین مردم حتی از پادشاهین شریفین حد محسوبیت نیکسون (پس از دنبال اشکاخ و ترکیت) پادشاه تر آمده بود، برای انحصارات نفتی و نظامی نگران کننده بود که کاندیدای تقسیم جهان را قیام می‌سازد. آنرا و احتمالاً رئیس‌جمهور آمریکا گسرد. از جهت خرابی این انحصارات، در همان زمان کسی قرار بود خبر کاندیداتوری رسمی کندی مفسدی اول، مفسدات را بخواند اختصاص دهد، واقعیتی گروگانگیری اتفاق افتاد و با سر و زحمتی گسرد رسانه‌های همگانی در این مورد بیجا گردیدند. عمل کاندیداتوری کندی فرا می‌برد و آنکه او قند طرح این مقاله را داشت که ریش‌ریشی اشغال مشارکت در سیاست قاطع بهیستایی از شاف و دعوت از او برای مشارکت به آمریکا بوده. از گوشه و کنار، روبرو شدن و تجربین و دشنام قرار گرفت که در جهان موقعیتی کارآیی ریش‌ریشی جمهور را برای مقابله با مقاله مورد تهدید. از داده و جان گروگانها را به محاط مسره با جنجال رسانه‌های همگانی مردم آمریکا خود را در مقابل مقابله بنا "تقلید گویا" پشت سر رئیس‌جمهور قرار گیرند. محسوبیت کارتر به پیش از ۵۸ درصد رسید و این خود زمینه‌ی پیروزی او را در انتخابات اولیه کاندیداتی رئیس‌جمهور در بهیستایی دموکراتها فراهم آورد. کارتر از اینجاست به روزی که در مقابل دمکرات بسیار رخنه‌ی بر روی زمین است. در روز بیشتر بهتد غافل از اینکه ارجاع خو "وطن پرستی" به شما کندی را به عقب می‌راند، بلکه زمینه‌ی کشیده شدن قاطعی از زیر پای خودش را هم فراهم می‌کرد. برای تشویق به نظامی گری و "وطن پرستی" موجود در آمریکا، ایرانیان عشق آمریکا مورد قرار گشتند. "سگ و ایرانی" بهیستایی و پیروانهای آمریکایی راه داده می‌شدند. در گشای برای سلامت گروگانها دعا می‌کردند. در مراسم ورزشی یک دقیقه سکوت می‌نمودند. چراغهای اتومبیل‌ها را به علامت اعتراض به

کمکهای مالی دریافت شده

الف	ب	ج	د
۲۰۰۱	۱۰۷۶۲	۲۰۰۱	۸۰۸۰۱
۱۰۲۵۲	۱۰۰۹۶	۵۹۱۲	بایلسر
۱۰۲۵۲	ش	ک	ک
۵۵۲۵	۲۱۱۲	۱۰۰۰	۶۱۱
۲۲۸۱	۳۵۵۵	م	ناری
ب	۲۲۷۲	۵۲۰۰	م
۵۲۰۲	۱۱۲۵	۱۲۰۲۰	۱۱۱۱
پ	ص	۵۲۰۰	آبادان
۳۰۳۳	۲۰۰۶	۱۱۲۲	ر
ت	۲۱۰۲	۱۰۱۲۳	۱۰۰۰۹
۲۰۰۰۲	۲۰۰۳	ن	ن
د	ض	۱۰۵۰	۳۰۰۲
۲۶۵۰۷	۵۹۲۸	ه	تیمبر
۱۶۲۱	ط	۲۲۵۰	ن
ز	۱۰۲۳	۵۰۸۲	۲۹۰۹
۱۰۱۲۲	ع	ب.ر	م
۱۰۱۲۲	۱۱۰۰	۲۰۶۹	۳۱۱۱
	۲۰۰۱		

بدون کد

۵۰۰۰

حواداران سازمان در آمریکا

۱۲۰۵۰۰

حواداران سازمان در آمریکا

۶۰۰۰۰۰

در شماره ۵۱ رهائی مبلغ ارسال شده از

جانب رفقای هوادار سازمان در انگلستان

به اشتباه ۲۲۰۰۰۰ آورده شده که صحیح آن

۲۲۰۰۰۰ میباشد.

رهائی هواداران!

سازمان جهانی مبارزه با استعمار!

سازمان ما برای مسوود برپا میدانی مبارزاتی خود
احیای مبارزه با کمپانیهای مالی شما دارد.
کمپانیهای مالی خود را از هر طریقی که میتواند
برسانند.

واقعیت بود که در گروهی سیاست هم روز به روز
انحصارات نظامی عظیمی متشکل میشد و از سیاستمداران
اقتصادی خود به سمت سیاست میزد.

افزایش بودجهی نظامی و بهر حال رفتن روز
افزون قیمت نفت فشار شوری را بر اقتصاد
آمریکا افزایش داد و کوشش کارتر برای کنترل
شورم با افزایش بی سابقه ی شوخ بهر سو
تشدید رکود و بسته شدن کارخانه ها و بیکساری
گرمید. ولی بهر روزهای اولیه ی کارتر و سپس در
انتخابات داخلی دیگران تنها که بدشمال تروگان
گیری پیش آمد. کافی بود که با لافزدگی کندی را
از گود خارج کنند و تا بین شریک معلا مرفه نظر
از کاندیداهای کم اهمیت تر با مشاهده ی دو
کاندیدای اصلی برای ریاست جمهوری در حقیقت
باقی بمانند که برای جناحین نظامی و نظامی
یکی مطلوب (کارتر) و دیگری مطلوب (کندی)
(ریگان) بود. در حالیکه در نظر اکثریت
شده های مردم هر دو باید ریاست خود را شریک
تجلیات، یکی بد و دیگری بدتر بود. گوا اینکه
بخش عظیمی از مردم از هر دو سراز بودند.
کارتر سال هشتاد دیگر کارتر فیسکل از
انتخاب به ریاست جمهوری نبود. واقعیات
زندگی عظیمی آمریکا و قدرت عظیم انحصارات
نظامی و نظامی او را از انسان غیرسیاسی و
ادماها به زمین آورده بود و در حالیکه چهار
سال پیش بعنوان برابری نیروی انحصارات و با
ایجاد توهم درباری محدود کردن قدرت
انحصارات نظامی و نظامی و جلوگیری از زیاده
روی های آنها و بوجود آوردن زندگی بهر سو
برای توده های مردم سیاست جمهوری رسیده بود
خود وسیله ای اجرای خواسته های همان قدرتها که
قرار بود منافشان را محدود کند، قرار گرفت
فقد بود و آنچنانکه در طبیعت سرما به داریست
بخصوص در شرایط بهرمان نتوانسته بود گرمی از
مشکلات توده های زحمتکش بکشد و ریشی گزانی و
بیکساری را تا به کمد.

با اینکه کارتر منافعی کمپانیهای نظامی
و انحصارات صنعتی نظامی را تا اندازه ی زیاد
ثامن کرده بود و قبول میداد در آینده پیش
از گذشته حاکمیت منافشان باشد و از جمله
برنامه های تهیه ی موشکهای متحرک ۱۰۰ که بخارج
آن بر سی میلیون دلار (و احتمالاً با توجه
به شورم به چند برابر این مقدار) با استیج
میشود. را ریخته، نیروی نظامی سریع العمل
۲۲۰ هزار نفری را برای خلیج فارس و آقیانوس
هند تهیه دیده، در کوبا و برزیل و عمان
و... پایگاه بوجود آورده، هواپیماهای جنگی
راهدار ساخته و با لافزدگی قند تهیه ی با حدود
کشتی جنگی در ده سال آینده داشت ولی همچنان
که در بالا اشاره کردیم کاندیدای اصلی
جناحین نظامی - نظامی نبود.

قدرت اقتصادی رو به فروزی انحصارات
نظامی و نظامی و رفع عقده ی ویشام شرایطی
را بوجود آورد که سلطه ی سیاسی این انحصارات
بهتر از هر زمان دیگر تثبیت شود و در چنین
شرایطی با توجه به زمینه های دیگری که برای
کاندیدای اصلی جناح نظامی (و متحدان
همیشگی آن جناح نظامی) یعنی ریگان وجود داشته
چرا به کمتر راضی شوند. (ادامه دارد)

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا

قسمت سوم: ریگان و سیاستهای آینده

جامعه چندخواری میسارد و نسبتاً ناکس "مفتخور"هایی هستند که به علت بی جبرسی ماهانه چندمدلاری برای خانواده می شود از دولت دریافت میکنند یا از وام بی بهره کمی استفاده میکنند. این ساکتیک است سرمایه دارانست که دنبال سیریل میگردند. سیریل سرمایه داران آمریکا را به مکزیک میفرستد و با بئور میبرد و بگویمای فقیر و با بئور کلی می میرد که از بعضی سرمایه های و فرصتهای دولتی برای لیرال بیره های آنکه میسرده اند.

در چنین حوزی و در شرایط گرانی و بیکاری شدید، شده های وسیعی از اختار سیاسی بسوی امثال ریگان محافظه کار روی می آورند یکی از مسائلی که از نظر بسیاری از رای دهندگان قشر متوسط را علاوه بر سرمایه داران جلب کرده طرح "زوت - گت" می شود تا شد ریگان برای تبدیل ۳۰ درصد مالیات در مدت سه سال است. البته روشی است آنها که به خودی از چنین طرحی سود میبرند سرمایه داران هستند مخصوصاً که علاوه بر آن ریگان قصد دارد با فعالیتهای مالیاتی شرکتی بازرگانی و مشاغل را تقویت کند و بهانه های او و دیگر محافظه کاران که چنین راه حلایی را برای مبارزه با رکود پیشنهاد میکنند، ایجاد مشاغل جدید است در حالیکه سرمایه داران ایجاد مشاغل تازه توسط دولت را برای مبارزه با بیکاری پیشنهاد میکنند.

باید توجه داشت که علت اقتصادی انتخابات ریگان به ریاست جمهوری، از نظر توده های رای دهنده بیکاری و تورم بود. از آنجا که توده ها چهار سال ریاست جمهور کارتر را تجربه کرده بودند، او را قضا می کردند که نتوانسته بود این مشکل را حل کند و نه سیستم سرمایه داری را که بیکاری و تورم دو خصمه ناشی است.

۲- سر از رفع "فددهی و بنگام"، با تشیفات وسیع که قبلاً به آن اشاره شد، زمینه سازی برتری طلایی در توده ها فراهم گردید. به اقتضای مانی تلقین شد که بهرور طلایی آمریکا شوین شده و بنابراین باید قدرت نظامی آمریکا را افزایش داد. رسانه های گروهی خواستند گرایشهای "وطن پرستی" مردم آمریکا را تقویت کنند و در چنین شرایطی طلایی تر این بود که اکثریت آنها که بیای صندوق آراء میروند به کسی رای دهند که معتقد است: "کار باید کرد که دنیا به آمریکا اختصاص

ریگان از نظر تصمیم بندی حزبش متعلق به جناح محافظه کار حزب جمهوریخواه است. اگر در ابتدای شکوفایی جامعه سرمایه داری سرمایه خواهان عدم دخالت دولت در اقتصاد بودند، محافظه کاران امروز چون ریگان خواهان حداقل دخالت دولت در امور اقتصادی و واگذاری حل مسائل اقتصادی بطور مستقیم به سرمایه داران هستند. این محافظه کاران خواستار حداقل بودجه میسر هستند. این سیاستهای امروز از نظر اقتصادی تابع نظریات کینز بوده و برای حل مشکلات جامعه سرمایه داری و جلوگیری از اختلال در دولت را در امور اقتصادی جایز و حتی لازم میدانند. این نظر به خودی در دوران بحران اقتصادی سالهای دهه ۱۹۳۰ طرفداران زیادی پیدا کرد و برای حل بحران جامعه سرمایه داری از یک سیاست اعتباری که دولت را همیشه مقروض میکرد، برای سرمایه داران بهای وسیع دولت - بیکار کردن سیکاران و غیره استفاده شد. این سیاست اقتصاد را از بین بردن بحران جامعه سرمایه داری برای مدت نسبتاً طولانی این رژیم را سرحد آورد که دیگر با معنی سرمایه داری دچار بحران نخواهد شد. ولی وجود یک تورم مزمن و درانه های رکود تدبیر ناکیهای دهه ۱۹۷۰ این رویای خوش را برهم زد و پدیده های نوینی بنام تورم رکودی بطور مزمن در میان سرمایه داری را گرفت.

پس از این مقدمه ملل انتخابات ریگان به ریاست جمهوری بطور اختصار میتوان چنین توصیف کرد:

۱- سرمایه داری آمریکا راه حل بحران را در بورس به دست آورده های زمینکشسان و توده های محروم که در اثر دهها سال مبارزه با دست آورده اند، میداند. اگر در دوران شکوفایی امکان ساکت کردن توده ها با دادن امتیازاتی وجود داشت، امروزه گفته میشود که دوران "فلسف" به پایان رسیده و توده های مردم باید شیوه زندگی خود را تغییر دهند و با طمع سودهای بهایی سرمایه داران و بخصوص انحصارات نفتی - نظامی، زندگی بدشگری را بپذیرند.

قشر متوسط و کارگران مرفه تر در آمریکا پذیرفته اند که این انحصارات نیستند که مشول بیکاری آنها و کم شدن درآمد واقعی شان هستند، بلکه دخالت دولت در اقتصاد و برنامه های عام المنفعه و رفاهی برای شهیدستان و نظایر آن علت بدتر شدن زندگی آنها است. علت مشکلات

بگذارد. "کوششهای کارتر برای ایجاد ترس در میان توده‌ها که اگر ریگسبان اشتغال شود آتش جنگ را برخواهد افروخت تا شهر منطقی گذارد یا بعبارت دیگر اقتضای وسیع مردم با توجه به جنبه‌های مثبتیت متعوی از ریگان حاضر بودند این خط‌سوز را بپذیرند.

در واقع در هر دو این موارد یعنی علینت اقتصادی و ملی گرایسی افراطی، حدود نسبی از آراء ریگان بیان عدم اعتماد به کارتر بود همانطور که انگیزه‌ی بسیاری از رای دهندگان به کارتر انتخاب کاندیدی بود بجای کاندیدای بدتر (ریگان) بود.

۳- میتوان گفت که انتخاب کنندگان ریگسبان کسانی بودند که رای نداده‌اند! این مطالبه بنظر عجیب میرسد ولی با توجه به عدم شرکت حدود نیمی از حائزین شرایط رای دادن در انتخابات و با در نظر گرفتن اینکه تعداد آنها که خود را دمکرات میدانند، دو برابر جمهورخواهانست، در واقع انتخاب ریگان ناشی از عدم اعتماد توده‌های وسیع به "دمکراسی بورژوازیستی" (لاقل نوع دو حزبی آن) حاکم در امریکسا است. سیستم انتخابات ریاست جمهوری در امریکسا به گونه‌ایست که ریگان در واقع با اینکه مورد تأشید جدی آنها بگ هشتتم رای دهندگان امریکایی است به ریاست جمهوری انتخاب میشود. (با محاسبه‌ی این که نیمی از حائزین شرایط رای نداده‌اند و ریگان رای نسبی از رای دهندگان را بدست آورده‌است. تازه نسبی از این عده مخاطر مخالفت با کارتر بساو رای داده‌اند.)

در هر انتخاب ریاست جمهوری بخش عظیمی از رای دهندگان از صندوقهای رای روی گردانده‌اند و در انتخابات اخیر قریب ۵۵٪ آنها که میتوانند رای دهند، از این حق خود استفاده نکرده‌اند و این نسبت در ۲۲ سال اخیر سابقه نداشته‌است. در هر حال ریگان با اکثریت قاطع آراء به ریاست جمهوری انتخاب شد. او اولین رئیس جمهور محافظه‌کار در ۶۰ سال گذشته است که از پشتیبانی یک مجلس بسا اکثریت محافظه‌کار هم برخوردار است. زیرا در انتخابات اخیر علاوه بر رئیس جمهور تمام نمایندگان کنگره و یک سوم سناتورها نیز انتخاب شدند و گرایشی به راست حاکم در امریکا پدید شد که حتی سناتورهایی لیبرال معروفی چون مک‌گاورن و چرچ که در گذشته کاندیدای ریاست جمهوری بودند، نتوانند به سناترا راه یابند. و این امر چهره‌ی سنای امریکا را تغییر داده، آنرا از یک جو غالب لیبرالیستی به یک جو محافظه‌کار تبدیل نموده‌است. ریگان با داشتن پشتوانه‌ای چون یک سنای محافظه‌کار ظاهراً چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی هر کار که مایل باشد میتواند انجام دهد ولی واقعیت اینست که

محدودیتهایی که تمامیتها چه در داخل و چه در سطح جهانی و نیازهای انحصارات ایجاد میکنند، گریبانگیزی خواهد بود. این محدودیتها است که باعث میشود رئیس جمهور محافظه‌کاری چون نیکسون بسرای مبارزه با تورم اعلام کنترل مزد و قیمت را بکند یعنی اقدامی که در محدوده‌ی سیاست محافظه‌کاران نیست. نیکسون حتی بسا را فراتر ببرد و پس از این اقدام اسلام کرد: از امروز من طرفدار کینز همسم و با همین آقای نیکسون با داشتن روابط آشکار با کمپانیهای نفتی و انحصارات نظامی و با اینکه در اردوی "بازهمسا" قرار داشت با "چین کمونیست" ارتباط برقرار کرد.

با توجه به محدودیتهای ذکر شده در بالا میتوان منتظر اقدامات زیر توضیح ریگان نمایندگی انحصارات نظامی و عسواء انحصارات نفتی بود:

الف- در محدوده‌ی سیاست داخلی:

- (۱) تجدید و کاهش نسبی برنامهای رفاهی
- (۲) کاهش مشخص مالیات برای سرمایه‌داران و تکیه در جهت "مبارزه" از طریق ایجاد امکسان استخدام در کمپانیها از طریق این کاهش
- (۳) تلاش برای محدود کردن بوروکراسی با محدود کردن استخدام تازه در ادارات دولتی و احتمالاً انحلال بعضی از بخشهای وابسته به دولت. این اقدام اقدام شماره (۱) برای مبارزه با تورم انجام خواهد شد.
- (۴) "طب ملی" که هدف برنامهای اشتغالزایی دمکراتها در انتخابات سال ۷۶ و بخصوص مورد علاقه‌ی نفتی و پتروشیمیایی و در اتحادیه‌های کارگری بود به نوعی فراموشی سپرده خواهد شد.
- (۵) حتی الامکان از کنترل قیمت و مزد بسرای مبارزه با تورم استفاده نخواهد شد.
- (۶) احتمالاً برای معنوعات خارجی چون اتومبیل موارد گمرکی وضع خواهد شد تا صنعت تولید اتومبیل سازی امریکا براه افتد، گسوس اینکه این امر میتواند واکنش منفیسی کشورهای دیگر امپریالیستی را برانگیزد.
- (۷) دست کمپانیهای نفتی برای تسلط هر چه بیشتر بر منابع انرژی باز گذاشته شده و قیمت مواد نفتی همچنان افزایش خواهند یافت و دخالت دولت در امور مربوط به انرژی تقلیل خواهد یافت. انحصار و زارتخانه‌ی انرژی امریکا یکی از این اقدامات میتواند باشد.
- (۸) اقداماتی که تحت فشار جمعیتهای طرفدار حفظ محیط زیست برای مبارزه با آلودگی محیط صورت میگرفت تقلیل خواهد یافت تا کمپانیهای مختلف سرمایه‌داری سودآورتر شوند.
- (۹) تولید انرژی اتمی علیرغم نگرانی مردم ادامه خواهد یافت.
- (۱۰) تقلیل حداقل دستمزد برای نوجوانان و استفاده از نیروی کار ارزان آنها

گسترش خواهد یافت .
(۱۱) بودجه‌ی نظامی خیلی بیشتر از سایر...

مورد نظر کارتر افزایش خواهد یافت .
این اقدام آخر یکی از مهمترین علل
انتخاب ریگان به ریاست جمهوری است تا بتواند
تعمیم مستقیم انحصارات نظامی حداکثر
مناطق این انحصارات را بخصوص تا مین نماید .
علاوه بر موشکهای متحرک زمین به هوای MX
که نیاز به حداقل ۲۰ میلیارد دلار هزینه
دارد، برای تهیهی هواپیماهای B-۵۲ و دیگر
هواپیماهای جدید و موشکهای جدید قاره پیمای
و حداقل شش کشتی جنگی برای ۱۰ سال
آینده برنامه ریزی خواهد شد . مسابقه‌ی
تسلیماتی که با این اقدامات شروع خواهد شد
به سراسر جهان گسترش یافته و انحصارات
نظامی را غریبتر از پیش خواهد کرد .

اقدامات فوق منعکس کنندهی خطوط کلی
برنامه‌ی ریگان برای آینده است و همانطور که
ملاحظه میشود با برآه افتادن هر چه بیشتر
کارخانه‌های تولید کننده وسایل تسلیحاتی
کار ایجاد شده، ولی به تدریج خواهد افزود و
تنها تقلیل قوهی خرید شده‌های وسیع مسردم
بی چیز از فشار تورمی خواهد گاست .

آیا ریگان و سرمایه‌داران نیشیانسی
خواهند توانست از تعداد ۱۰ میلیون بیکسار
در آمریکا بکاهند و در تورم دو رقمی تنبیری
وجود آورند؟ بازارهای خارجی چون بازار
چین یا بازسازی اقتصاد ویران ایران و عراق
تنها برای مدتی میتواند خامن موفقیت برنا -

مه‌های جناحهای حاکم سرمایه‌داری باشد ولی
ماهیت سیستم حکم میکند که حتی در بهترین
حالت این موفقیت گذرا باشد . در بدترین
حالت خود فشار شدید بر توده‌ها برای تسرو
تمندر شدن سرمایه‌داران و انباشت هر چه
بیشتر سرمایه میتواند بخصوص در بخشی که
بیشتر تحت فشار قرار میگیرد چون سیاهستان
و توده‌های زحمتکش اسپانیایی الاصل و اکسشن
وجود آورده و شورهای اخیر فلوریدا و
شورهای اواسط سالهای دهه‌ی ۱۹۶۰ لوس آنجلس
و دیترویت و نوآرک بوجود آورد .

ب- در صحنه‌ی سیاست خارجی:
آلکساندر هیک مشاور امور خارجی ریگان
و احتمالاً وزیر دفاع آینده اعلام داشته که
بعد از جنگ ویتنام و ترکیت، سیاست
خارجی آمریکا بایستی سه هدف زیر را دارا
میشود:

- (۱) نداشتن ابهام
- (۲) جلب اعتماد متحدین آمریکا
- (۳) بایستی نشان میداد که نمیتواند راجع به
وقایعی که در دنیا اتفاق میافتد، بی -
تفاوت باشد .

اظهارات ژنرال هیک در شرایط کنونی
آسان بیان میشود ولی در شرایط شکست
مفتخانه‌ی آمریکا در ویتنام، درهم شکسته شدن
روحیه‌ی "رهبر دنیای آزاد" شکست اخلاقی
ناشی از ترکیت و افتضاحات "اف.بی.آی" و
"سیا"، رشوه دادن کمپانیهای آمریکا بیکسار
مقامات دولتی کشورهای خریدار و بطور کلی کجی

امپریالیسم آمریکا از تمام این ضریسات و
همچنین با توجه به بی اعتمادی مردم در آمریکا
و کشورهای دیگر مشکل بود بتوان سیاستهای
مورد نظر آقای هیک را اتخاذ کرد .

در شرایط کنونی که جنگال مصنوعی
گروگانگیری و مداخله‌ی شوروی به افغانستان
پشت سر گذاشته شده است، امپریالیسم آمریکا
و در رأس آن نماینده‌ی مستقیم انحصارات
نظامی آقای ریگان میتواند سیاست مورد نظری
ژنرال هیک را دنبال کند و زمینه‌ی این سیاست
را هم اتفاقاً آقای کارتر "حقوق بشسری"
میتوانست فراهم کند، که کرد .

اکنون همچنانکه ریگان در جریستان
انتخابات اعلام کرد، سالت ۲ یعنی قرار داد
محدود کردن سلاحهای استراتژیک که بیست
پروژنف و کارتر بر سر آن توافق شده بود دیگر
اعتباری ندارد و این امر زمینه‌ی مسابقه‌ی
تسلیماتی تازه‌ای را فراهم میآورد تا بر
وزنه‌ی اقتصادی انحصارات نظامی باز هم
افزوده گردد . در ضمن رهبران جدید آمریکا
اعتقاد دارند که محدود کردن سلاحهای
استراتژیک باید در ارتباط با سیاست کلی
شوروی مثلاً حضور نیروهای شوروی در افغانستان
یا حضور نیروهای کوبایی در آفریقا - مورد
بررسی و توافق قرار گیرد . معنای خودمانی
این خواست اینست که بدهستان سیاسی همچون
گذشته‌هایی که گله آمریکا بشم بیستسری
داشت باید ادامه یابد و مثلاً افغانستان یا

ایران میدادله شود تا بتوان همزیستی
مسالمت آمیزی داشته و آنگاه سلاحهای
استراتژیک را هم میتوان در حد معقول تقلیل
داد . البته برای تضمین چنین همزیستی
مسالمت آمیزی اقدامات کارتر در اقیانوس هند
و خلیج فارس دنبال خواهد شد . پایگاههای
جدیدی از شرق آفریقا تا قلب آسیا مورد
استفاده قرار خواهند گرفت و تعداد کشتیهای
جنگی افزایش خواهد یافت . رژیمهای چون
عربستان پیش از پیش مورد تائید و تشویق
قرار خواهند گرفت و علیرغم اینکه ریگان
سازمان آزادیبخش فلسطین را تروریست نامید،
کوشش برای تحمیل یک سازش بر خلق فلسطین
ادامه خواهد یافت . در جهان سوم رسماً از
حکومت‌های دیکتاتوری پشتیبانی خواهد شد و
حکومت‌های دیکتاتوری جدیدی بجای آنها کسه
متزلزل هستند و ممکنست مورد تهدید نیروهای
انقلابی قرار گیرند، بر سرکار خواهند آمد .

در مورد ایران نیز پس از آزادی گروگانها
علیرغم جناحهای ظاهری، از سرکوبت نیروهای
مترقی توسط حزب حاکم اگر نه علناً، در خفا
پشتیبانی خواهد شد ولی سرانجام خود آن نیز
در موقع مقتضی با یک ضربت به کناری خواهد
افتاد تا رژیم منجی از آستین آقای ریگان
بدرآمده و همه‌ی ناراضیان را از مذلت رژیم
آخوندی "رها نمیده" و اقتصاد کشور را آنچنان
که انحصارات نظامی (و نفتی) بخصوص مطلقینند
بازسازی کنند . و برای این البته بزعم
خود در انتظار سرکوب کامل چپ توسط جمهوری

انتخابات...

اسلامی خواهند بود تا بدون دغدغه ی خالص
فادر به اینکار باشند.
آنچه که در فوق بعنوان جهت حرکت
جدید امپریالیسم امریکا اشاره شد (و حتی
اگر کارش هم انتخاب میشد با مقداری تغییر
مبایستی ادامه می یافت) کم و بیش برنا
انحصارات و نمایندگان آنها را نشان میدهد.
شک نیست که امپریالیسم در بخشی از خواستهای
خود موفق خواهد بود ولی عامل تعیین کننده ی
شکستهای آن، مبارزه ی طبقه ی کارگر و نیروهای
چپ و دمکرات چه در ایران و چه در نقض
دیگر جهان خواهد بود و شرایط جهانی در هر
زمان، وسعت یا محدود بودن همبستگی
بین المللی نیز در این میان نقش مؤثری
خواهند داشت.



پایان